

## نقش زنان در عصر تأویل

پروین دخت جهان کهن<sup>۱</sup>

الهام نامور<sup>۲</sup>

اردوان جهان کهن<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر نقش سیاسی، نظامی و اجتماعی زنان را در عصر تأویل مورد بررسی قرار می‌دهد. عصر تأویل پس از وفات پیامبر (ص) و انتصاب حضرت علی(ع) به امامت آغاز می‌شود و تا پایان غیبت صغرا ادامه داشته است. در این عصر حوادث و رویدادهای مهمی چون بیعت زنان با ائمه معصوم(ع)، حمایت و دفاع و همچنین مخالفت عده‌ای از زنان با ولایت ائمه (ع) رخ داده که در این مقاله به حضور زنان در عرصه‌های فوق پرداخته می‌شود. با بررسی در متون اصلی تاریخی، شواهد و مدارک از بیعت زنان و حضور و فعالیت آنان در این رویدادها و عرصه‌ها ارائه شده است. این شواهد و مدارک تنها محدود به کارکرد سیاسی زنان نیست، بلکه این متون نشان می‌دهد که سیره‌ی امامان معصوم(ع) مشوق و موافق حضور و فعالیت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی بوده است. این حضور و فعالیت در عرصه‌هایی چون نظامی و جهاد تشویقی، فعالیت علمی و تبلیغی و فعالیت اقتصادی بوده که در متون دینی و تاریخی مورد اشاره قرار گرفته است. مقاله به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در صدد بررسی نقش زنان بعد از رحلت پیامبر(ص) تا پایان غیبت صغرا است.

**کلیدواژه‌ها:** تأویل، زنان، مخالفان، مدافعان، ائمه(ع).

---

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز.

۲- کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی.

۳- پژوهشگر تاریخ اسلام.

## مقدمه

عصر تأویل به معنای عصر امامت است. عصری که از انتصاب امام علی (ع) به امامت و پس از وفات پیامبر (ع) اسلام شروع می‌شود و تا پایان غیبت صغرا ادامه داشته است. عصری که در آن فتنه‌ها بروز کرده و تمام کسانی که در دوران حیات پیامبر (ص) مبارزه کرده‌اند، حالا سهم‌الارث می‌خواهند. در اینجا است که باید خط اصیل نبوت (خط اسلام اصیل) ادامه پیدا کند و منحرف نشود. قهرمانان عصر تأویل کسانی هستند که بتوانند با این احزاب و گروه‌ها و دسته‌ها و هوس‌ها، خودخواهی‌ها، و کج فهمی‌ها مبارزه کنند و اسلام را دوباره به مسیر اصلی خودش بازآورند و این جز امام علی (ع) و امامان پس از او چه کسانی می‌توانند باشند؟ کسانی که به تعداد انگشتان دست بودند، در این عصر کنار خط ولایت ایستادند و مبارزه کردند و در اینجا نیز حق زنان محفوظ است.

اسلام زن را یکی از خشت بناهای جامعه محسوب داشت و آزادی عمل و اراده بخشید و زنان از دیدگاه اسلام از همه‌ی حقوق انسانی برخوردار شدند. یکی از این حقوق حضور در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی است. با این نگاه اسلام و مفسرین آن به زن بود که زنان در عصر تأویل مانند عصر تنزیل (عصر نبوت) وارد عرصه‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی شدند، اما پاداش زنان مبارز در عصر تأویل، بیش از کسانی است که در عصر تنزیل مبارزه کردند؛ زیرا در این زمان فتنه‌ها و شکاف‌هایی در اسلام به وجود آمده بود. شبهاتی که مسلمانان را دچار شک و تردید نموده بود؛ به گونه‌ای بود که هر کس کتاب خداوند را برای تأیید خود مطرح می‌نمود. در ایجاد این شک و تردیدها بعضی از زنان (مثل عایشه) نقش زیادی داشته‌اند. در برابر اینان زنانی هم بوده‌اند که مفهوم ولایت و حکومت عدل را دریافته و سخت کوشیدند تا از ولایت به هر نحو ممکن دفاع و حمایت کنند. این بار فعالیت و جهاد زنان شکل دیگری پیدا کرد. واضح است که مفهوم جهاد در نگاه اسلام یک مفهوم ثابت و به معنای شمشیر کشیدن صرف نیست.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خدای را! خدای را! در جهاد با اموال‌تان و جان‌ها در زبان‌های‌تان» (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۵/۱۶).

در عصر تأویل، زنان که از رزم در صحنه‌ی نبرد معذور بودند، جهاد را به شکل‌های دیگر ادا می‌نمودند. گروهی با زبان، گروهی در آن وقتی که ابرهای شک و تردید همه‌جا را پوشانده بود، به روشنگری اذهان و معرفی حق پرداخته، گروهی همسران و فرزندان خود را به حمایت از ولایت تشویق می‌کردند و گروهی با کلام حماسی به تشویق سپاه ولایی و گروهی هم به انتقاد از قدرت و هبیت پوشالی زمان می‌پرداختند.

نقش اجتماعی زنان در عصر تأویل با حضور آنان در فعالیت‌های اقتصادی، علمی و تبلیغی نمود پیدا می‌کرد. زنان در عصر تأویل به پیروی از سیره‌ی نبوی و علوی به فعالیت علمی و امر تبلیغ می‌پرداختند. در این دوران فعالیت علمی و تبلیغی با توجه به تشتت آراء و افکار، پیامدهای آن سنگین‌تر و گران‌تر بود.

زنان در این عصر به کار و فعالیت اقتصادی پرداخته و آئمه (ع) نه تنها آنان را از این کار باز نمی‌داشتند، بلکه لحن سخن و طرز برخورد آنان با زنانی که فعالیت اقتصادی می‌کردند به گونه‌ای بود که در تشویق به ادامه کار و فعالیت اقتصادی زنان در این دوران و دوران‌های بعد از آن استفاده می‌شد.

بررسی نقش زنان در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این اهمیت زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم بعد از رحلت پیامبر (ص)، شک و تردید و فتنه‌هایی در بین مسلمانان صدر اسلام بروز کرده بود که عده‌ای از زنان در ایجاد این فتنه‌ها نقش داشتند و عده‌ای دیگر از زنان هم به انتقاد از قدرت پوشالی زمان خود و شرکت در جهاد تشویقی پرداختند و سعی در زدودن شک و فتنه‌ها و نشان دادن خط اسلام اصیل داشتند و از کلام آئمه (ع) به عنوان مجوزی برای حضور در عرصه اجتماعی و فعالیت اقتصادی استفاده کردند.

می‌توان با بررسی نقش زنان در تاریخ اسلام به خصوص عصر تأویل، آنان را به‌عنوان الگویی برای زنان مسلمان معرفی کرد.

هدف از انجام این مقاله، ارائه‌ی پژوهشی دقیق، علمی و به دور از هرگونه حبّ و بغض، در بررسی نقش سیاسی، نظامی و اجتماعی زنان در عصر تأویل، نحوه دفاع و مخالفت آنان با ائمه(ع) در این عصر و بررسی نحوه برخورد ائمه(ع) با زنانی است که به فعالیت در عرصه‌ی اجتماعی می‌پرداختند.

این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌هاست که ۱. زنان بعد از رحلت پیامبر(ص) در چه زمینه‌های فعالیت داشتند و به چه شیوه‌های حمایت خود از امام عصر(ع) اعلام می‌داشتند؟ ۲. علل مخالفت بعضی از زنان در این دوران با رهبری ائمه(ع) چه بوده و دستگاه خلافت در این زمینه چه نقشی داشته است؟ ۳- از لحاظ کارکرد تبلیغی و علمی چه تفاوتی بین عصر تنزیل (عصر نبوت) و عصر تأویل (عصر امامت) وجود داشت؟

زنان با توجه به مجوزی که قرآن و سیره ائمه(ع) به آنها داده بود، به فعالیت‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی دست زدند. گروهی از زنان با حضور در این عرصه‌ها، به دفاع و حمایت از خط نبوت پرداخته که همان ولایت علی(ع) و دیگر ائمه(ع) است. برخی از زنان دیگر هم به دلایل شخصی و نرسیدن اقوام و خویشان خود به خلافت، با ائمه(ع) مخالفت کردند و حتی در این راه جنگ‌افروزی نمودند. زنان دیگری هم بودند که بازپچه‌ی دستگاه خلافت شده و خلافت وقت از آنان در جهت از بین بردن صاحبان برحق خلافت و رهبری جامعه - یعنی ائمه(ع) - استفاده کردند.

از لحاظ کارکردهای علمی و تبلیغی، عصر تأویل با عصر تنزیل - عصر نبوت - تفاوت وجود دارد. در عصر تنزیل هدف از فعالیت علمی و تبلیغی رساندن پیغام اسلام به گوش مشرکین بود، ولی هدف فعالیت علمی و تبلیغی در عصر تأویل دفاع از ولایت ائمه(ع) بوده است.

## نقش سیاسی زنان در عصر تأویل

همان طور که گفته شد عصر تأویل به معنای عصر امامت است. عصری که از انتصاب امام علی(ع) به امامت و پس از وفات پیامبر اسلام شروع می‌شود و تا پایان غیبت صغرا ادامه داشته است. در این عصر، احزاب و گروه‌های مختلفی به فعالیت پرداخته و باعث ایجاد شک و تردید و فتنه در جامعه اسلامی شدند. رهبری برخی از این احزاب و جریان‌ها را زنان عهده‌دار بوده، حتی بیش از مردان در ایجاد فتنه، شک و تردیدها نقش داشتند. زنانی هم بودند که بازیچه‌ی احزاب و گروه‌ها شده و راه مخالفت با امام عصر را در پیش گرفتند و در شهادت امام عصر نقش داشتند. برای روشن شدن این مبحث ذیل سه عنوان به این موضوع پرداخته می‌شود: الف) بیعت زنان؛ ب) مدافعان و حامیان ولایت؛ ج) مخالفان ولایت.

نقش سیاسی زنان در عصر تأویل؛ از بستر بیماری رسول خدا (ص) که آخرین روزهای زندگی خود را سپری می‌کردند، پی‌گیری می‌شود. در اینجا ابتدا به یکی از برخوردها و حرکتهای عایشه در آخرین روزهای حیات پیامبر (ص) به صورت مختصر پرداخته می‌شود، اما بررسی نقش عایشه در عصر تأویل به بعد از بررسی زنان مدافع ولایت موکول می‌گردد.

رسول خدا (ص)، در آخرین لحظات حیات خویش فرمودند که یکی با مردم نماز گزارد و آن هنگام نماز صبح بود. در برخی روایات آمده است که پیامبر (ص) ابوبکر را برای نماز خواندن فرستاد. امام علی(ع)، شخص عایشه را عامل این صحنه معرفی کرده است. به این معنا که عایشه بود که به بلال، غلام پدرش دستور داد که به ابوبکر بگوید تا با مردم نماز به جا آورد (قمی، ۱۳۷۹: ۱۹۹/۱). برخورد پیامبر (ص) حکم تأییدی است بر گفته‌ی علی(ع)؛ زیرا رسول خدا (ص) در آخرین رمق خود در حالی که بر بازوی علی(ع) و فضل بن عباس تکیه داده بود بیرون آمد و در محراب ایستاد و پس از اینکه با مردم نماز گذارد به خانه برگشت و آفتاب بالا آمده بود که از دنیا رفتند (عسکری، ۱۳۷۱: ۱۰۲). پیامبر(ص) در دستورات و تصمیمات خود آنقدر حساب‌شده عمل می‌کردند که اگر دستوری می‌دادند در آن شک و

تردیدی وجود نداشت که درصدد نقض آن باشد و برخورد ایشان در نمونه‌ی فوق مبین این مسئله است که چنین دستوری نداده‌اند، پس با آن حال نزار به مسجد آمدند تا مانع امامت جماعت ابوبکر شود.

### الف: بیعت زنان

زنان در عصر تأویل هم در امر بیعت حضور پیدا کردند. از جمله مهم‌ترین بیعت‌ها که در عصر تأویل زنان در آن حضور داشتند، بیعت زنان برای خلافت حضرت علی (ع) بود. حضرت (ع) هجوم مردم برای بیعت با ایشان را پس از قتل عثمان چنین توصیف می‌کنند: «شادی مردم بر اثر بیعت‌شان با من به جایی رسید که بچه‌ها شاد گشتند، و پیران با قدم‌های لرزان و بیماران با سختی و مشقت به سوی بیعت آمدند و دختران جوان نیز به سوی بیعت آشکارگردیدند» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۳۶). یا اینکه بعضی از زنان اولین بیعت‌کننده و پیشقدم در بیعت با ائمه (ع) بودند. مانند امّ احمد مادر حضرت شاهچراغ (ع) که پس از شهادت امام هفتم (ع) اولین کسی بودند که با امام رضا (ع) بیعت کردند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۰۷-۳۰۸/۴۸).

بنابراین اسلام زن را به‌عنوان عضو مؤثر جامعه پذیرفته و او را در امر مهم و سرنوشت‌ساز بیعت شریک ساخته است. اسلام زمانی که از زن بیعت گرفت در واقع اعلام کرد که تو یکی از خشت بناهای جامعه اسلامی، باید سهم خود را در استواری و نگهداری این بنا ایفاء کنی.

### ب: مدافعان و حامیان ولایت

بررسی نقش زنان حامی و مدافع ولایت در عصر تأویل را ابتدا با بررسی نقش رهبری حضرت زهرا (س) آغاز می‌کنیم:

**فاطمه زهرا (س):** فاطمه (س) پنج سال بعد از نبوت و پیامبری پدرش و سه سال پس از داستان معراج در بیستم ماه جمادی‌الآخر در مکه متولد شد و مدت هشت سال با پدر خویش

در مکه به سر برد و پس از آن با پدر به سوی مدینه هجرت نمود (همان: ۱۲/۹). در سال دوم هجرت فاطمه‌ی زهرا(س) با علی(ع) پیمان زناشویی بست (مسعودی، بی تا: ۲/۲۵۹). در این پژوهش بررسی صفات و خصوصیات شخصی حضرت فاطمه(س) مدنظر نیست. آنچه بررسی شده نقش سیاسی ایشان در عصر تأویل است. نقش ایشان در عصر تنزیل مانند دیگر زنان صدر اسلام محدود به هجرت به مدینه و کارهای تدارکاتی و کمک به جهادگران و مجاهدان و دیگر مستمندان جامعه بوده است، اما اوج فعالیت سیاسی حضرت زهرا(س) عصر تأویل و پس از وفات رسول خدا(ص) و در دفاع از ولایت علی(ع) است که تا پای جان ایستاد حتی فرزندش محسن را در این راه از دست دادند.

هنگامی که حضرت علی(ع) و گروهی از اصحاب مشغول غسل پیامبر(ص) شدند و در انتظار پایان غسل و کفن بودند، جنجال سقیفه‌ی بنی ساعده برای انتخاب جانشین برای پیامبر(ص) برپا شد و پس از جدال‌های لفظی و احياناً زد و خوردهایی، ابوبکر با پنج رأی به‌عنوان خلیفه‌ی رسول‌الله انتخاب شد و هم‌پیمانان علی(ع) را؛ کسی که از طرف خداوند در روز غدیر رسماً انتخاب شده بود، کنار زدند.

هنوز مدتی از حادثه‌ی سقیفه‌ی بنی ساعده نگذشته بود که دستگاه خلافت تصمیم گرفت که از حضرت علی(ع)، عباس، زبیر و سایر بنی هاشم برای خلافت ابوبکر بیعت بگیرد، تا خلافت وی رنگ اتحاد و اتفاق به خود بگیرد. اما حضرت علی(ع) و عده‌ای دیگر به نشانه‌ی اعتراض در خانه حضرت زهرا(س) متحصن شدند.

پس دو جنبش متضاد پس از مرگ رسول خدا(ص) در مدینه مرکز ثقل استقرار و نشر دین اسلام پدیدار گردید.

۱. جنبش به رهبری علی(ع)، حضرت زهرا(س) و تنی چند از یاران آن‌ها که خواهان امامت امام علی(ع) و معتقد به انتخاب ایشان بعد از رسول(ص) بنا به نص صریح قرآن بودند. این گروه خواستار اداره‌ی حوزه‌ی اسلامی به روش پیامبر(ص) و اینکه جانشین پیامبر باید

نگهبان سنت رسول خدا باشد و عقیده داشتند برای این کار و ادامه‌ی روش رسول خدا(ص) جزء علی کس دیگری شایستگی ندارد، پس آن‌ها خواهان جانشینی علی(ع) بودند.

۲. جنبش دیگری که به رأی و اجتهاد خود و کنار زدن نص قرآن و خداوند، علی(ع) را کنار زده و ابوبکر را به جانشینی رسول خدا(ص) انتخاب کردند. این گروه به تناسب پیشرفت زمان، تجدید نظر در نظام سیاسی و احیاناً نظام حقوقی دین را ضروری می‌دانست.

نقش حضرت زهرا(س) در جایگاه رهبری یکی از رهبران گروه اول در سه زمینه خلاصه می‌شود:

۱- اعتراض به انتخاب ابوبکر و کنار زدن نص قرآن به وسیله او (کنار زدن امیرالمؤمنین): سرانجام علاقه به گسترش قدرت خلافت کار خود را کرد و احترام خانه‌ی وحی را نادیده گرفت. خلیفه ابوبکر، عمر را با گروهی مأمور کرد تا به هر قیمت که باشد متحصنان را از خانه فاطمه(س) بیرون بکشد و از همه‌ی آنان بیعت بگیرد. در این هنگام فاطمه زهرا(س) به مأمور خلیفه در اعتراض به خلافت ابوبکر و زیر پا گذاشتن حق حضرت علی(ع) چنین گفت: «جمعی را سراغ ندارم که در موقعیت بدی همچون شما قرار گرفته باشد. شما جنازه‌ی رسول خدا(ص) را در میان ما گذاشتید و از پیش خود درباره‌ی خلافت تصمیم گرفتید. چرا حکومت خود را بر ما تحمیل می‌کنید و خلافت که حق ماست به خود ما باز نمی‌گردانید؟» (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۸).

هنگامی هم که زنان انصار به عیادت ایشان آمده بودند به ایشان فرمود: وای بر آنان، چگونه خلافت را از موضع ثابت و بنیان‌های نبوت و ارشاد، و محل هبوط جبرئیل دور ساختند (کحاله، ۱۹۸۲: ۴/۱۲۹-۱۲۸؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۵۸/۴۳).

۲- تلاش در گرفتن بیعت برای حضرت علی(ع): پس از غصب خلافت، حضرت فاطمه در جلب بیعت مردم تلاش بسیار می‌کردند و با بیان فضایل امام علی(ع)، فدارکاری‌ها، ایثارها و سخنان پیامبر(ص) درباره‌ی علی(ع)، مردم را به بیعت با ایشان دعوت می‌نمودند؛ طوری که



ایشان در اوایل شب بر چهارپایی سوار می‌شدند و امام علی (ع) عنان آن را می‌گرفت، آن وقت در محافل انصار می‌گشت و از مجلسی به مجلس دیگر می‌رفت تا مردم را به بیعت با حضرت و پشتیبانی از ایشان دعوت کند، ولی جواب همه‌ی آنان این بود: ای دختر رسول (ص)، دیگر کار از کار گذشته است و ما با این مرد بیعت کرده‌ایم، اگر علی هم بر او پیشی می‌گرفت، از بیعت او دست بر نمی‌داشتیم (بنت الشاطی، ۱۳۴۴: ۳۴).

۳- افشاگری، اعتصاب و زیر سوال بردن مشروعیت خلافت: قبل از بررسی این زمینه از رهبری حضرت زهرا(س)، ابتدا لازم است موضوع فدک مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا که آن حضرت توانستند با بهره‌گیری از موضوع فدک، به افشاگری و به زیر سؤال بردن مشروعیت خلافت پردازد.

در شمال خیبر دهکده‌ای آبادان بود که فدک نام داشت (حموی، بی تا: ۴۱۷/۵). اهالی فدک که یهودی بودند، همین که پایان کار قلعه خیبر را دیدند، مرعوب شدند و دانستند که در برابر سپاه مسلمین تاب مقاومت ندارند، ناچار تسلیم رسول خدا(ص) شدند و با ایشان صلح کردند که نیمی از این دهکده از آن او باشد و آنان در مزارع خود باقی بمانند (طبری، ۱۳۸۵: ۳۰۲-۳۰۳/۲). مصالحه بدین صورت انجام شد و چون سربازان مسلمان در فتح این دهکده شرکت نداشتند به حکم قرآن فدک خالصه‌ی پیغمبر گردید که هرگونه بخواهد در آن دخل و تصرف کند. گروهی از محدثان و مفسران نوشته اند چون آیه‌ی «وَآتِ ذَاقُ رَبِّی حَقَّه» نازل شد؛ پیامبر(ص) فاطمه(س) را خواست و فدک را به ایشان بخشیدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۱۱/۳؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۲۶۸/۱۶).

درباره ارزش اقتصادی فدک بسیار سخن گفته‌اند. برخی از منابع شیعی در آمد سالیانه آن را بین بیست و چهار هزار تا هفتاد هزار دینار نوشته‌اند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۲۳/۲۹) و ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند که ارزش درختان خرما در این ناحیه با ارزش درختان خرما در شهر کوفه در قرن هفتم برابر بود (ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۲۳۶/۱۶).

ابوبکر برای دومین بار دست به اجتهاد در برابر نص قرآن زد و با این حدیث مجعول «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لِأَنْوَرُثُ» یعنی ما گروه پیامبران از خود ارثیه باقی نمی‌گذاریم (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۳۱۵/۲)، فدک را از حضرت فاطمه (س) گرفت. ابوبکر از این کار دو هدف داشت: ۱. محروم کردن گروه رقیب علی (ع) و فاطمه (س) از قدرت اقتصادی؛ ۲. ترمیم بودجه حکومت از طریق مصادره اموال دیگران.

حضرت فاطمه (س) پس از پیامبر (ص) برای اثبات این ادعا حضرت علی (ع) و امّ ایمن را گواه قرار داد. حکومت سخن حضرت زهرا (س) را نپذیرفت و با این بهانه که اولاً: حضرت علی (ع) در این گواهی صاحب نفع است و ثانیاً: - حتی اگر شهادت علی (ع) پذیرفته شود - در اثبات امور مالی گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن لازم است، گواهی امام علی (ع) و امّ ایمن را رد کرد (ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۶۸-۲۲۷۵/۱۶).

حضرت فاطمه (س) که تلاش‌شان در پس گرفتن فدک بی نتیجه مانده بود، از این پس دست به افشاگری، اعتصاب و به زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت زدند. نه از آن جهت که از یک منبع اقتصادی محروم شده بود، مشکل آن بود که این اولین و آخرین اجتهاد در برابر نص نبود، بلکه هر روز یک اصل از اصول اسلامی زیر پا گذاشته می‌شد، دیروز علی (ع) که با نص قرآن برگزیده شده بود را از حق الهی خود محروم کردند و امروز با اجتهاد به رأی خود در برابر نص قرآن فرزندی را از ارث پدر محروم می‌کردند. چه تضمینی وجود داشت که فردا اصول دیگری زیر پا گذاشته نشود و خلیفه‌ی دیگری به اجتهاد خود دگرگونی‌های اساسی پدید نیاورد و بار دیگر اصول جاهلی تجدید نشود؟ که به گواهی تاریخ پیش‌بینی فاطمه (س) درست از آب درآمد، چهل سال پس از این حادثه، تغییرات بنیادی در حکومت پدید آمد که هم مخالف سنت پیامبر (ص) و هم برخلاف سیرت جاری عصر راشدین بود.

باری چون دختر پیامبر (ص) دانست که ابوبکر از رأی و اجتهاد خود نمی‌گذرد و آن را بر سنت جاری مقدم می‌دارد، مصمم شد که شکایت خود را در مجمع عمومی مسلمانان (مسجد)

مطرح نماید. پس حضرت زهرا(س) در نخستین سخنرانی افشاگرانه‌ی خود که در مسجد ایراد فرمودند، اوضاع سیاسی آینده جامعه را هشدار دادند. حضرت بیان فرمودند: ضربه‌های بر پیکر جامعه می‌خورد که باعث انحراف می‌شود. کس که صدای این ضربه‌ها را نشنود کر است. کر و لال باد گوش و زبانی که شکاف‌ها را می‌بیند، ولی سکوت می‌کند (ابن طیفور، ۱۹۰۸: ۲۶). دیگر اینکه حضرت در خطاب به زنان انصار که به عیادت ایشان آمده بودند، فرمود: به خدا سوگند آنچه که نباید بکنند کردند. نواهای ساز و فتنه آغاز شد، حال کمی بپایید تا ببینید چه آشوب‌ها و فتنه‌ها به پا خیزد و چه خون‌ها بریزد، آن روز زیان‌کاران را باد در دست است و آیندگان به گناه رفتگان گرفتار (کحاله، ۱۹۸۲: ۱۲۹/۴-۱۲۸).

لازم بود که ایشان مردم را آگاه کنند، که در ورطه‌ای افتاده‌اند که سیاست را بر دیانت ترجیح می‌دهند: «هوشیار باشید که دوباره خط جاهلیت را به نام اسلام دنبال نکنید» (آئینه‌وند، ۱۳۶۲: ۵۳). از اینجاست که حضرت سکوت نمی‌کنند و به افشاگری می‌پردازند، تا به علما و فقهای که راه گم کرده‌اند راه نشان دهند.

علاوه بر آنچه گذشت، حضرت زهرا(س) با نشستن کنار قبر پیامبر(ص) و ساعت‌ها گریه کردن بر مرگ آن حضرت و پس زدن عیادت ابوبکر و عمر، علاوه بر افشاگری، با این حرکات خود، دست به اعتصاب زده و با وصیت خود مبنی بر اینکه نه تنها راضی به حضور آنان در تشییع و نماز خواندن بر جنازه‌ی خود نبود، بلکه از نماز خواندن آنان بر فرزندان خود هم ناراضی بود و آن را حرام می‌دانست (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰/۱۹۶). حضرت با این اعتصاب خود مشروعیت و مقبولیت کسانی که حق علی (ع) را غصب کردند، زیر سؤال برده و دیگران را به فکر واداشت تا از خود بپرسند: چرا دختر پیامبر از نماز خواندن خلفای وقت بر خود و حتی اولاد خود ناراضی بوده و آن را حرام می‌دانست؟

**اسماء بنت عمیس:** وی و خواهرانش از شگفتی‌های تاریخ اسلامند و از طرف پیامبر(ص) مورد ستایش قرار گرفته‌اند. اسماء از راویان حدیث رد الشمس (در فضیلت امیرالمؤمنین) است

(شوشتری، بی تا: ۵/۵۲۲). ایشان افتخار فعالیت در راه حق در دو عصر تنزیل و تأویل را دارند. وی ابتدا همسر جعفر بن ابی طالب بود که با ایشان به حبشه و مدینه هجرت نمودند و بعد از شهادت جعفر در جنگ موته به همسری ابوبکر و بعد همسری علی(ع) درآمدند (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۸/۲۱۹). مردم پس از رحلت رسول خدا(ص) دو دسته شدند: عده‌ای رحلت ایشان را تأیید و عده‌ای انکار می‌کردند. در این میان اسماء با دست نهادن بر شانه آن حضرت گفت: رسول خدا(ص) رحلت کرده؛ زیرا مَهر نبوت از دوش ایشان برداشته شده است (همان: ۲/۲۰۸). اسماء از جمله زنان مدافع و حامی ولایت علی(ع) بودند، وی حتی زمانی که همسر ابوبکر بود، دست از حمایت و دفاع از ولایت برداشت. اسماء در جریان سقیفه بنی ساعده در خانه ابوبکر بود و در حضور و غیاب از علی(ع) دفاع می‌کردند و به خاندان پیغمبر(ص) و علی(ع) بسیار علاقه می‌ورزید. چون تصمیم بر این قرار گرفت که علی(ع) را برای بیعت گرفتن از خانه بیرون بیاورند، اسماء کسی از نزدیکانش را نزد علی(ع) فرستاد و گفت این آیه را بخوان: «همانا سران قوم در مورد تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم»<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «به او بگو خداوند بین آنان و آنچه اراده دارند حایل خواهد فرستاد» (عمادزاده، بی تا: ۳۲۳-۳۲۱). عمادزاده به نقل از بلاذری نوشته است: ابوبکر پس از عیادت فاطمه زهرا(س) و روی گردانی حضرت از آنها و دفاع مداوم علی(ع) از حق فاطمه(س) و اقامه شهود بسیار، تصمیم گرفت علی(ع) را بکشد تا شاید از این غائله‌ها رهایی یابد. ابوبکر خالد بن ولید را برای این منظور انتخاب نمود و نقشه‌اش را با او در میان گذاشت، قرار شد که خالد در موقع نماز پهلوی علی(ع) بنشیند، شمشیر بکشد و سر علی(ع) را بزند. اسماء که در این موقع همسر ابوبکر بود، از جریان باخبر شد و کنیز خود را صدا کرد و گفت فوری نزد علی(ع) برو و سلام مرا برسان و بگو: «همانا سران قوم در مورد تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو

۱- سوره القصص، آیه ۲۰.

هستم» و این آیه را دو بار بخوان. کنیز اسماء به خانه علی(ع) رفت و این آیه را دو بار خواند. امیرالمؤمنین فرمود: «فَمَنْ يُقْتَلُ النَّكِيثِينَ وَالْقَاسِيَتِينَ وَالْمَارِقِينَ» آنگاه فرمود به بانوی خود بگو توطئه‌ی آنها نقش بر آب شده و خدای تعالی مرا حفظ می‌کند (همان: ۳۲۳). اسماء از جمله زنانی بود که در شب زفاف حضرت زهرا(س) و همچنین کفن و دفن ایشان حضور داشتند و به توصیه حضرت مانع ورود عایشه به غرفه‌ای شد که جسد حضرت در آنجا گذاشته شده بود (شهیدی، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

**ام‌سلمه:** نامش هند، پدرش ابی‌امیه بن مغیره و مادرش عاتکه بنت عبدالمطلب بود. ام‌سلمه با پذیرش اسلام در دوران نخستین اعلام رسالت، از سابقین در اسلام بود و با اراده‌ای کامل در شمار مهاجران به حبشه درآمد. در سال چهارم هجری در پی وفات همسر اولش ابوسلمه به عقد پیامبر درآمد و توفیق دیدار و همراهی با فاطمه(س) را یافت (محلاتی، بی‌تا: ۲۸۴-۲۸۳). ابن هشام داستان ورود مهاجرین به حبشه و برخورد همراه با مهربانی پادشاه حبشه با آنان را از قول ام‌سلمه نقل می‌کند (ابن هشام، ۱۹۹۶: ۳۳۴/۱). سابقه ایشان تقریباً شبیه اسماء بنت عمیس است؛ زیرا افتخار پیروی از نبوت در عصر تنزیل و دفاع از خط نبوت (ولایت) در عصر تأویل را دارند. از رسول خدا(ص)، حضرت امام علی(ع)، حضرت فاطمه زهرا(س) حدیث نقل می‌کند. علما اهل سنت ۳۷۸ حدیث و اهل تشیع بیشتر از آن از ام‌سلمه روایت کرده‌اند (همان: ۲۸۳). این تعداد حدیث گویای مقام و شأن والای روایی او است. ام‌سلمه می‌دید و می‌شنید که پیامبر(ص) فاطمه و علی(ع) را دوست می‌دارد، علی را وصی خود می‌داند و بارها نام علی(ع) را بالا برد، پس او آنها را به خاطر سپرد و به این توصیه‌ها عمل نمود و آنها را به دیگران آموخت و حتی سعی کردند با یادآوری آنان به دشمنان علی(ع) (عایشه) آنان را از دشمنی و عناد باز دارد.

ام‌سلمه در بسیاری از جریان‌های سیاسی دخالت کرده و نظر می‌داد. مثلاً موقعی که ابوبکر با قانون ساختگی و جعل حدیث «نحن الانبیاء لانورث» می‌خواست حق زهرا(س) را از بین

ببرد، ام‌سلمه با همّت و شجاعت بلند خود به مسجد آمد و در آن محیط خفقان‌بار بدون اینکه واهمه‌ای به دل راه دهد، فریاد زد: آیا به فاطمه این سخنان را می‌گویید؟ و می‌خواهید فاطمه را از حقش محروم کنید؟ او حور بین جن و انس است. شما گمان می‌کنید پیغمبر(ص) میراث خود را بر او حرام کرده، بدون اینکه به فاطمه بگوید؟! یا اینکه پیغمبر به او خبر داده، ولی فاطمه برخلاف گفته‌های پدرش آمده و مطالبه می‌کند؟! آیا با اینکه فاطمه(س) بهترین زنان و مادر سروران اهل بهشت است این چنین می‌کنید؟! (کحاله، ۱۹۸۲: ۶۴۴).

ام‌سلمه در روزگاری که عثمان بیت‌المال مسلمین را حیف و میل می‌کرد و در ارکان مملکت هرج و مرج انداخته بود، از جمله‌ی معترضین بود و عثمان را پند و نصیحت می‌کرد؛ «چرا راهی را که پیامبر(ص) در پیش گرفته بود محو و نابود کردی؟! و چرا آتشی را که پیامبر(ص) نیفروخته بود تو روشن کردی؟! حداقل به راهی برو که دو رفیق ابوبکر و عمر رفتند...» (فهیم، بی تا: ۱۴۰).

از جمله‌ی کسان دیگری که ام‌سلمه به پند و نصیحت او می‌پردازد، عایشه همسر رسول خداست، که به خون‌خواهی عثمان جنگ جمل را علیه حضرت علی(ع) به راه می‌اندازد. ام‌سلمه به صورت واضح به عایشه می‌گوید: «تویی که به خون‌خواهی عثمان برخاسته‌ای، بیش از همه با او دشمن بوده‌ای و هدف تو خون‌خواهی عثمان نیست، بلکه بر هم زدن و نقض خلافت پسر ابوطالب و دشمنی با اوست و به او یادآوری می‌کند که خدا تو را از بیابان‌گردی ممنوع کرده است، و این چه خروجی است که تو می‌کنی؟ خداوند حامی و پشتیبان این امت است» (عسکری، ۱۳۷۱: ۴۵). ام‌سلمه که مقام بلندی در دفاع و یاری از ولایت علی(ع) داشت، برای اینکه عایشه را از این سفر پرخطر و خانمان‌سوز بر حذر دارد و او را به خانه خود بازگرداند، تا حدّ امکان مشغول به فعالیت شدند. پس او گفته‌ها و احادیث حضرت رسول(ص) را در فضل و برتری علی(ع) برای عایشه تذکر می‌داد و برای او حوادثی را که فراموش کرده بود و یا خود به فراموشی داده بود، به او یادآوری می‌کرد. او هنگامی که دید عایشه از راهی که

در پیش گرفته بود (جنگ جمل) باز نمی‌گردد، با مهاجرین و انصار اجتماع کرده و خشم خود را علیه عایشه برملا می‌نماید و در نهایت امام را طی نامه‌ای از ماجرا با خبر می‌سازد. او فرزند خود را به یاری ولایت می‌فرستد تا از این طریق دوستی خود را نسبت به علی(ع) و خشم خود را نسبت به عایشه آشکار کند (دخیل، ۱۳۶۲: ۴۴).

پس از رحلت حضرت رسول(ص) و پایان عصر تنزیل، تاریخ شاهد هجرت زنانی است که با دل‌کندن از شهر و دیار خود در جهت یاری حق و همراهی امام عصر، برای همیشه نام خود را در تاریخ جاودان کردند. از جمله این زنان حضرت زینب(س)، دیگر زنان اهل بیت و حضرت فاطمه معصومه می‌باشد.

**حضرت زینب(س):** درباره‌ی حضرت زینب(س) بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، اما چون در این جا هدف بررسی نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان است، فقط به‌طور مختصر و به صورت کلی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن حضرت بیان می‌گردد.

در روز پنجم جمادی‌الاول سال ششم هجرت در شهر مدینه دختری به دنیا آمد (بنت‌الشاطی، ۱۳۴۴: ۱۶) که سال‌ها بعد در تغییر تاریخ اسلام نقشی عظیم ایفا کرد و جد بزرگوارشان او را زینب نام نهادند. زینب در طول زندگانی خود شاهد حادثه‌ی غصب فدک و خطابه‌ی معروف مادرش حضرت فاطمه(س)، ۲۵ سال سکوت پدر و سستی ایمان و تبعیض خلفا بود، دختر علی(ع) از آنها به شدت رنج می‌برد و بعد از آن شاهد بیعت مردم با پدر و بیعت‌شکنی آنان، غائله‌ی عایشه و جنگ جمل و دیگر جنگ‌های داخلی دوران خلافت علی(ع) بوده است. زینب گرچه همه‌ی این حوادث و جنگ‌ها را دیده بود، اما در تاریخ ذکری نشد که زینب(س) عملاً در آنها حضور داشته باشد، بلکه همه‌ی این ماجراها مقدمه‌ای برای حضور زینب(س) در کربلا بود.

چون فشار ولید - حاکم مدینه - جهت گرفتن بیعت از امام حسین(ع) برای خلافت یزید افزون گشت، امام(ع) از مدینه خارج شده و به دعوت مردم کوفه عازم عراق شدند. در این سفر

حضرت زینب(س) امام را همراهی می کردند. پس از ده روز پیکار سرانجام در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری به شهادت رسیدند. از جمله وقایع عصر روز دهم (عاشورا)، قصد شمر بن ذی‌الجوشن برای کشتن حضرت زین‌العابدین بود که حضرت زینب(س) به موقع بیرون آمد و گفت: «او کشته نخواهد شد تا من در دفاع از او کشته شوم!» (الموسوی المقرم، ۱۴۱۱ق: ۳۰۱). حضرت زینب(س) با آگاهی داشتن از اینکه حضرت زین‌العابدین(ع) طبق نص قرآن، امام برگزیدهٔ پس از امام حسین(ع) بود؛ کوشید که جان ایشان حتی اگر به قیمت جان خودشان باشد حفظ نمایند. از این زمان است که زینب(س) وارد میدان می‌شود تا حوادث کربلا را جاودانه سازد.

بعد از شهادت امام حسین(ع)، عمر بن سعد زنان، کودکان و خواهران امام را به کوفه فرستاد. زینب(س) با ورودش به کوفه به طور مہیجی ضایع شدن حقوق شهداء خاندان رسالت را در نظر اهل کوفه مجسم نمود به طوری که وقتی شهر کوفه را ترک کرد، وضع روحی شهر با قبل از ورود کاروان اسرا به شهر کاملاً متفاوت بود. ایشان مردم را با جنایات دستگاه اموی آشنا کرد و آثار تبلیغات وسیعی را که معاویه و پس از او پسرش یزید انجام داده بودند به کلی از بین برد و همچنین با گفته‌های خود در مجلس پسر زیاد و یزید، هم از حریم خدای تعالی دفاع کردند و هم از نهضت برادر و خاندانش. ضمناً آنان را از کیفر سختی که در انتظارشان بود بیم داد و در پایان صولت و قدرت توخالی آنها را در هم شکست و راه را برای اعتراض دیگران گشود و طنین صدایش همچنان پایدار بماند و با پیش‌آمدهایی که بعد از کربلا به وقوع پیوست از بین نرفت و بالاخره انتقام شهداء کربلا را گرفت و تیشه به ریشه‌ی دولت اموی زد و جریان تاریخ را عوض نمود (بنت‌الشاطی، ۱۳۴۴: ۱۸-۱۹).

**حره سعدیه:** حره دختر حلیمه سعدیه بودند ایشان بر حجاج بن یوسف ثقفی دشمن درجهٔ یک شیعیان وارد شد و در پاسخ حجاج که به او گفته بود، شنیده‌ام که تو علی را بر ابوبکر و عمر و عثمان ترجیح می‌دهی؟ پاسخ داد که این من نیستم که او را برتر می‌شمارم، بلکه خداوند



در کتاب خود او را برتر از آنان می‌شمارد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۱۳۴/۴۶). مثلاً خداوند در قرآن درباره حضرت آدم می‌فرماید: «و آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بی‌راهه رفت»،<sup>۱</sup> ولی در مورد حضرت علی(ع) می‌فرماید: «کوشش شما مقبول افتاده است».<sup>۲</sup> خدا که درباره موسی فرمود: «صبحگاهان در شهر بیمناک و در انتظار حادثه‌ای بود».<sup>۳</sup> در حالی که علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابید بی‌آنکه کمترین ترسی به دل راه دهد، تا آنکه خدا در حق او چنین نازل کرد: «از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خوشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به این بندگان مهربان است»<sup>۴</sup> (دستغیب، ۱۳۵۴: ۲۶۰-۲۵۹). بنابراین حره سعديه با توجه به آشنایی که با قرآن و سیره علی(ع) داشتند، توانستند در برابر حجاج بن یوسف ثقفی با علم کامل، از برتری علی(ع) بر آدم، نوح، لوط، ابراهیم، موسی، عیسی و سلیمان دفاع کرده و در دفاعیه خود از آیات قرآنی استفاده کنند.

**ام‌احمد:** مادر احمد بن موسی شاهچراغ(ع) به «ام‌احمد» شهرت داشت. امام موسی بن جعفر(ع) نیز در وصایا و سخنانش از او با همین لقب یاد نمود.<sup>۵</sup> ام‌احمد از داناترین و باتقواترین زنان روزگار خویش شمرده می‌شد. درباره‌ی زندانی شدن امام کاظم(ع) اخبار متعدد و مختلفی نقل شده است. آنچه که از مجموع این روایات استفاده می‌شود، این است که امام کاظم(ع) دوبار به دستور هارون به زندان افتاده‌اند که مرتبه دوم آن از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ ق. یعنی به مدت چهار سال به طول انجامیده و به شهادت آن حضرت منجر شده است (جعفریان، ۱۳۷۳: ۳۹۳).

۱- طه، آیه ۱۲۱

۲- انسان، آیه ۲۲.

۳- قصص، آیه ۱۸.

۴- بقره، آیه ۲۰۷.

۵- احمد با برادرش امام رضا(ع) از دو مادر بودند نام مادر امام رضا(ع) تکتم بوده است.

از آنجا که ام‌احمد در بین همسران امام کاظم(ع)، نزد آن حضرت احترام و موقعیت ویژه‌ای داشت؛ امام قبل از حرکت به سوی بغداد ودیعه‌های امامت را که اشیاء موروثی از پیامبر بود به او سپرد و رازهای امامت را فقط به او بیان کرد؛ آنگاه امام کاظم(ع) را در پی فرمان هارون در سال ۱۷۹ق. به سوی بغداد بردند. ام‌احمد که مورد وثوق و اعتماد کامل امام بود، سال‌ها رازهای حضرت را مخفی داشت، تا آنگاه که متوجه شهادت امام کاظم(ع) گردید (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۰۷/۴۸). امام در لحظه‌ی سفر به سوی بغداد به ام‌احمد فرمود: «شخصی که به تو مراجعه کرد و این امانت را خواست در هر زمانکه باشد بدان که من شهید شده‌ام و آن شخص جانشین بعد از من و امام واجب‌الاطاعه بر تو و دیگر است» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۲۲/۲).

ام‌احمد که برگزیده و محرم راز امام هفتم بود خود ماجرای فوق را بیان می‌کند و اینکه به محض به شهادت رساندن امام کاظم(ع)؛ علی بن موسی به من مراجعه کرد و آن امانات را گرفت. پس از شهادت امام هفتم اولین کسی که با وی بیعت نمود، ام‌احمد بود (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۰۷-۳۰۸/۴۸). این امر نشان می‌دهد زنانی که فهم و برداشت درست و صحیح از اسلام داشتند به چنان مقام و جایگاهی رسیدند که محرم اسرار امام عصر قرار گرفته و با بیعت خود با امام عصر- فردی که طبق نص قرآن به امامت برگزیده شده بود- در آن عصر تشنت‌ها و تردیدها، نقش مهمی در بیعت مردم با آن امام داشتند.

**حضرت فاطمه معصومه:** ایشان نمونه‌ی دیگری از زنان هجرت‌کننده هستند که پس از اینکه برادرش امام رضا(ع) به خواست مأمون خلیفه عباسی به مرو سفر کردند، برای اینکه در جوار امام خویش قرار گیرد، سفر طولانی به سوی مرو را آغاز می‌کند، اما بیماری و رنج سفر مهلت دیدار امام عصر را باقی نمی‌گذارد و ایشان در قم درگذشتند. در تاریخ از دو تن از دختران امام کاظم(ع) به نام ام‌کلثوم کبری و ام‌کلثوم صغری نام برده شده که همراه برادر به ایران آمدند و در اطراف ایران پراکنده شدند و بعد شهید شدند (عمادزاه، بی تا: ۴۲۵).

**ام‌خالد:** هنگامی که استاندار عراق یوسف بن عمر، زید بن علی (ع) را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست ام‌خالد را به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد. ابوبصیر می‌گوید: «خدمت امام صادق (ع) بودیم که دیدم ام‌خالد با دست بریده وارد شد». حضرت فرمودند: «ای ابوبصیر! آیا میل داری سخن ام‌خالد را بشنوی؟ عرض کردم: «آری». ام‌خالد نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرض داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت در مسئله‌ی ولایت و برائت از دشمن با او سخن گفتم (محلّاتی، بی‌تا: ۳۸۱/۴). بنابر مطالب فوق می‌توان گفت، ام‌خالد با توجه به آشنایی که به احکام اسلام راستین در مسئله تولی و تبرّاء داشتند، هنگامی که مردم کوفه از ترس حکومت وقت زید را تنها گذاشته بودند به قیام زید که در راستای ولایت ائمه (ع) بوده تمایل نشان داد و به جرم این تمایل از طرف والی عراق مجازات شدند.

**ریظه:** زن زید بن علی بن الحسین (ع) و مادر یحیی بن زید، دختر ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه است که به دست یوسف بن عمر ثقفی به شهادت رسید (مجلسی، ۳۶۴: ۱۳۶۴/۴۸: ۳۱۵).  
**جده:** مادر امام حسن عسکری (ع) و همسر امام هادی (ع) بودند و بعد از شهادت همسرش امام هادی (ع) و فرزندش امام حسن عسکری (ع) پناه و دادرس شیعیان بوده‌است، چنانکه امام حسن عسکری (ع) خود به این امر سفارش کردند (عمادزاده، بی‌تا: ۴۳۱).

### ج: مخالفان ولایت

همان‌طور که گفته شد ابوبکر و عمر در سقیفه بنی‌ساعده جانشینی پیامبر (ص) را از خط نبوت منحرف نموده و علی (ع) را از حق الهی‌اش محروم کردند و بعد از ۲۵ سال که این حق به صاحب اصلی خود بازگشت این بار دختران این دو (عایشه و حفصه) که هر دو همسران رسول خدا (ص) بودند به دشمنی با ولایت علی (ع) برخاسته و باعث ایجاد تفرقه و جنگ

داخلی شدند که در این قسمت به صورت مختصر به نقش این مخالفین ولایت علی(ع) و زنان دیگری که به مخالفت با دیگر ائمه(ع) پرداخته‌اند، می‌پردازیم:

**عایشه:** دختر ابوبکر بن ابوقحافه و مادرش ام‌رومان بود. عایشه در سال چهارم بعثت در مکه متولد شد و بنا به روایتی از امام صادق(ع) در بحارالانوار، عایشه چهارمین همسر پیامبر(ص) بودند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۹۴/۲۲) و بعد فوت حضرت خدیجه(س) به عقد پیامبر(ص) درآمد.

عایشه پس از رسول خدا(ص) در دوران خلافت پدرشان ابوبکر و عمر و حتی نیمه اول خلافت عثمان از طرفداران پروپا قرص حکومت به‌شمار می‌رفت، اما عایشه در نیمه دوم خلافت عثمان بنا به دلایلی از عثمان رنجیده خاطر شد و رفته‌رفته به کینه و دشمنی مبدل گردید (طبری، ۱۳۸۵: ۴۵۹/۴؛ ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸: ۹۰) تا جایی که عایشه را با آن همه سابقه دوستی و طرفداری با دستگاه خلافت در صف سرسخت‌ترین دشمنان خلافت عثمان قرار داد و چنان شد که رهبری مخالفان عثمان را بر عهده گرفته و آن‌قدر آتش فتنه و انقلاب علیه عثمان را گرم کرد تا سرانجام عثمان کشته شد.

با کشته‌شدن عثمان مردم کسی را به خلافت برگزیدند که دشمنی عایشه با او از مسلمات تاریخ است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۲۲۲/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۲۳۰/۷). عایشه بنا به دلایلی از این قبیل با علی(ع) و حضرت فاطمه(س) کینه و دشمنی می‌ورزید: ۱. پیامبر(ص) دستور دادند در خانه ابوبکر را به مسجد ببندند، اما در خانه علی(ع) همچنان به مسجد باز بود؛ ۲. پیامبر(ص) نخست سوره براءت را به ابوبکر دادند تا در مکه بر مشرکین بخواند، سپس او را از این کار برکنار کردند و علی(ع) را به آن سیمت مأمور کردند، این موضوع بر عایشه بسیار گران آمد؛ ۳. عایشه از پیامبر(ص) فرزند نداشت و پیامبر(ص) فاطمه(س) را بسیار دوست می‌داشتند و فرزندان فاطمه را فرزندان خود می‌خواند (علایی رحمانی، ۱۳۶۹: ۱۸۹). به این خاطر عایشه همیشه نسبت به علی(ع) و فاطمه(س) و اولاد آنان کینه داشت؛ ۴. دیگری جریان افک بود، که

حضرت علی(ع) قبل از نزول وحی و خبر دادن از بی‌گناهی عایشه، پیشنهاد طلاق عایشه را به پیامبر(ص) دادند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

پس عایشه با داشتن این زمینه‌ها از کینه و دشمنی نسبت به علی(ع) و نقش بر آب شدن نقشه‌اش مبنی بر به خلافت رساندن پسر عم خود طلحه پس از کشتن عثمان (عسکری، ۱۳۷۱: ۴۶) پرچم مخالفت با علی(ع) را برافراشت و رقبا و مخالفین امام را به جنگ جمل در بصره و علیه آن حضرت برانگیخت و فرماندهی آنان را بر عهده گرفت، اما سرانجام عایشه در این جنگ شکست خورد و سپاهش به سختی پراکنده شدند؛ باین‌حال، امام او را با احترام کامل به مدینه باز گردانید. از این زمان تا شهادت امام، عایشه در مدینه بود و پای از آن بیرون نهد.

در پایان برای نشان دادن شدت کینه و دشمنی عایشه نسبت به علی(ع) و ولایت ایشان، از فرموده خود امام کمک گرفته تا شدت دشمنی عایشه با ایشان بهتر درک شود: «اما او - عایشه - خوی زنان، دیده عقل و خردش را سخت فرو بسته و شراره‌های کینه و دشمنی با من در دلش چون کوره آهن‌گران زبانه می‌کشید. اگر از او می‌خواستند تا آنچه با من کرده است به دیگری روا دارد هرگز به زیر بار نمی‌رفت و نمی‌پذیرفت» و اما به سخن خود درباره عایشه چنین پایان می‌دهد: «با این همه احترامش چون گذشته محفوظ است و داوری کارهای او با خداست» (همان: ۹۶).

**حفصه:** حفصه دختر خلیفه عمر بن خطاب است که در سال پنجم پیش از بعثت پیامبر(ص) متولد شده است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۲۲). حفصه در ابتدا به عقد خنیس فرزند حدافه درآمد و با او به مدینه هجرت کرد. خنیس قبل از جنگ بدر درگذشت (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۱۰) بعد از این حفصه به عقد پیامبر(ص) درآمد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۲۳/۲).

در میان زنان پیامبر(ص) حفصه بیش از همه به عایشه نزدیک و با همراه و هماهنگ بوده است. همراهی و هماهنگی این دو چنان بوده که گاهی اسباب آزار و ناراحتی پیامبر(ص) می‌شد تا جایی که سوره تحریم در مورد این دو نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۴/۱۰).

حفصه هم مانند عایشه نسبت به علی (ع) دشمنی می‌ورزید و موافق حرکت در خون‌خواهی عثمان و جنگ جمل بود و می‌گفت عقیده‌ی من پیرو رأی عایشه است و می‌خواست همراه عایشه به بصره برود، اما عبدالله بن عمر مانع شد و حفصه اجباراً عذر خواست و خانه‌نشین شد (بنت‌الشاطی، ۱۳۴۴: ۷۰)، ولی مدام عایشه روند جنگ و حرکت خود را به او گزارش می‌داد (عسکری، ۱۳۷۱: ۲۸۶).

**جعهده:** عصر امام حسن (ع) مصادف با اوج قدرت معاویه، عصری دردناک و رنج‌آور بود. معاویه یکی از زنان ایشان به نام جعهده را تحریک نمود و برای او پیغام فرستاد؛ اگر حسن بن علی (ع) را زهر دهی، تو را به ازدواج یزید در می‌آورم و هزار درهم به تو می‌دهم. جعهده که دختر اشعث بن قیس بود - که سابقه بی‌وفایی زیادی نسبت به علی (ع) داشت - پیشنهاد معاویه را پذیرفت و امام حسن (ع) را مسموم کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳/۲).

**ام‌فضل:** محیط زندگانی امام جواد (ع) نیز مانند زندگانی امام حسن (ع) محیط آرامی نبود و ایشان هم در خانه خود آرامش و امنیت نداشتند؛ زیرا زنش ام‌فضل دختر خلیفه بزرگ و امپراتور اسلامی بود که درون خانه را بر امام تیره تاریک کرده بود و سرانجام با همدستی برادرش معتصم، امام جواد (ع) را مسموم کردند و به شهادت رساندند (عمادزاده، بی‌تا: ۴۲۸).

### نقش نظامی زنان در عصر تأویل

هرچند اطلاعات منابع در این مورد بسیار اندک است، اما از همین اطلاعات جسته و گریخته چنین به دست می‌آید؛ زنانی که از چشمه زلال اسلام و سیره‌ی نبوی و علوی آب می‌نوشیدند، خود را موظف به حضور در عرصه جهاد به شکل‌های مختلف و گرم و پویا نگهداشتن آن می‌دانستند. در این قسمت ذیل دو عنوان به این مبحث پرداخته می‌شود: الف. جهاد تشویقی؛ ب. نقش سرّی و فرماندهی.

## الف: جهاد تشویقی

همان طور که پیش از این گفته شد، جهاد در نگاه اسلام یک مفهوم ثابت به معنای شمشیر کشیدن صرف نیست، بلکه عرصه‌ی جهاد را به انواع طرق، چون زبان و روشن کردن اذهان، تشویق کسانی که توانایی برای جنگیدن دارند، انتقاد از قدرت ظالم، گفتن جملات حماسی و تحریک و تشویق روح دیگران در راستای حرکت در خط حق و... می‌توان گرم نگاهداشت. در عصر تأویل زنان جهاد را به روش‌های فوق انجام می‌دادند و دین خود را به اسلام ادا نموده و بعضی حتی در این راه به شهادت می‌رسیدند. در این قسمت برای روشن شدن بحث به چند مورد اشاره می‌شود.

**سوده دختر عماره بن اشتر:** او دختر عماره بن اشتر بود و محبت علی(ع) را از خانواده خود به ارث برده بود. ایشان در جنگ صفین حضور داشتند و برادر را به جنگ علیه دشمنان علی(ع) تشویق می‌کرد (کحاله، ۱۹۸۲: ۲۷۰).

**زرقاء همدانی:** او در روز صفین بر شتری سوار بود و سربازان سپاه علی(ع) را به جنگ علیه باطل تشویق می‌کرد و می‌گفت: ای مردم به هوش باشید و به خود آییند. سخن مرا بشنوید و از راه باطل بازگردید. همانا شما در فتنه‌ای قرار گرفته‌اید که پرده‌های ظلمت و تاریکی بر دیدگان شما آویخته شده و شما را از شناخت راه درست بازداشته است. ای دریغا که فتنه کور و کر و لال مجال نمی‌دهد که به صدای ناصح و دلسوز و مشفق گوش فرا دهید و نمی‌گذارد از پیشوایان به حق اطاعت کنید. ای مردم! با وجود خورشید، چراغ دیگر روشنی ندارد و ستاره در برابر ماه نورافشانی نکند (امین، بی‌تا: ۶۰/۷).

**امّ وهب:** او همسر عبدالله بن عمیر بود که در کربلا حضور پیدا کرد و به تشویق همسرش به جنگ علیه باطل پرداخت و سرانجام خود و همسرش در کربلا به شهادت رسیدند. او نخستین زنی است که در کربلا به شهادت رسیدند (طبری، ۱۳۸۵: ۴۳۸/۵).

### ب: نقش سرّی و فرماندهی

برخی از زنان افزون بر فعالیت‌های تبلیغاتی به سود اهل بیت، اخبار و اسرار جنگی را از سربازان معاویه به دست آورده و به سپاه علی (ع) می‌دادند. ابوالعریان هیشم بن اسود در اردوگاه معاویه بود ولی زنش از دوستداران علی (ع) بود. در جریان نبرد صفین زن او (امّ العریان) اخبار معاویه را می‌نوشت و در عنان اسبان پنهان می‌کرد و به لشکرگاه علی (ع) در صفین روانه می‌ساخت. یاران امام اسب‌ها را می‌گرفتند و اخبار را به علی (ع) می‌رسانیدند (امین، بی‌تا: ۴/۷۵/۴).

علاوه بر این‌ها، در همین دوران به زنان نقش فرماندهی هم داده می‌شد. در پایان جنگ جمل و شکست ناکثان، امام علی (ع) با احترام تمام عایشه را به مدینه باز گردانید که در این بازگشت چهل زن او را همراهی می‌کردند. آیت‌الله سبحانی به نقل از شیخ مفید می‌نویسد: «چهل زن که به فرمان امام علی (ع) در معیت عایشه قرار داشتند به ظاهر لباس مردانه پوشیده بودند تا بیگانگان آنان را مرد بینگارند و افکار ناروا دربارهٔ آنان و همسر رسول خدا (ص) به ذهن احدی خطور نکند. عایشه تصور می‌کرد که علی (ع) ماموران مرد را برای حفاظت او گمارده است و پیوسته از این کار گله می‌کرد، وقتی به مدینه رسید، آنان را زنانی یافت که لباس مردانه پوشیده‌اند، از اعتراض خود پوزش طلبید و گفت: خدا فرزند ابوطالب را پاداش نیک دهد که حرمت رسول خدا (ص) را در مورد من رعایت کرد (سبحانی، ۱۳۸۴: ۶۲۲).

### نقش اجتماعی زنان در عصر تأویل

در عصر تأویل هم مانند عصر تنزیل زنان در عرصه‌های اجتماعی حضور فعال داشته که ذیل دو عنوان به آن می‌پردازیم: الف. فعالیت‌های علمی و تبلیغی؛ ب. فعالیت‌های اقتصادی.



## الف: فعالیت‌های علمی و تبلیغی

زنان در عصر تأویل به پیروی از سیره نبوی و علوی مانند زنان در عصر تنزیل به فعالیت علمی و امر تبلیغ می‌پرداختند با این تفاوت که در این دوران وظیفه فعالیت علمی و تبلیغی با توجه به تشنه آرا و افکار سنگین‌تر و پیامدهای آن گران‌تر بود. در عصر تنزیل وقتی زنان به امر تبلیغ و فعالیت علمی می‌پرداختند، مورد تشویق و تحسین پیامبر(ص) و جامعه مسلمانان قرار می‌گرفتند و تبلیغ و فعالیت علمی برای رساندن پیام اسلام به گوش مشرکین یا تثبیت همان پیام در خود جامعه مسلمانان بوده است. در عصر تأویل هم فعالیت علمی و تبلیغی زنان مورد تشویق ائمه(ع) بوده است، ولی با توجه به وجود احزاب و گروه‌های مختلف و دشمنی این احزاب با یکدیگر، فعالیت علمی و تبلیغی ممکن بود علیه دیگر احزاب باشد که بعضی از این احزاب هم دست‌پرورده دولت‌های غاصب زمان بوده است و این امر باعث می‌شد کسانی که به فعالیت علمی و تبلیغی در جهت بیان حقانیت ائمه(ع) می‌پرداختند در صورت افتادن به دام احزاب مخالف برایشان گران تمام شود و مبلّغ و کسی که فعالیت علمی می‌کند برای همیشه خود و خانواده‌اش از زندگی ساقط شوند.

در اینجا منظور از علم، آگاهی از قرآن و علوم دینی چون؛ حدیث، تفسیر و کلام ... و شعر بود، که هم اهل حق و هم اهل باطل از این علوم در جهت اهداف خود بهره می‌بردند. در این قسمت، به بررسی چند نمونه از زنانی می‌پردازیم که در این عرصه فعالیت داشته‌اند.

**حضرت زینب(س) (عالمه غیر معلمه، عقیده العرب):** حضرت زینب(س) از لحاظ علم و تقوا شبیه مادر و پدرشان بودند و چنانکه از بعضی روایات برمی‌آید، زینب(س) دوره مجالس علمی داشتند که عده‌ای از بانوان که قصد فرا گرفتن علوم دینی را داشتند، در آن مجلس شرکت می‌کردند (بنت الشاطی ۱۳۴۴: ۵۴). از سخنان حضرت زینب(س) در طول مسافرت کربلا، کوفه و شام؛ خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که در فرصت‌های مختلف در برابر طاغیان زمان و مردم دیگر ایراد نمودند، به‌خوبی معلوم می‌شود که مراتب علم، دانش و کمال ایشان از راه

تحصیل و تعلیم و اکتسابی نبوده، بلکه بهره‌ای الهی و جنبه‌ی خارق‌العاده‌گی داشته است. شاهد این مطلب کلام امام سجاد(ع) می‌باشد که پس از خطبه‌ی کوفه او را مخاطب قرار داده و بدو چنین گفت: «عمه جان! آرام باش! سکوت اختیار کن که تو - بحمدالله - دانشمندی هستی که معلم ندیده و فهمیده‌ای هستی که کسی تو را فهم نیاموخته ...» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۶: ۱۱۵).

**حمیده همسر امام صادق(ع):** یکی از ویژگی‌های ائمه(ع) این است که مردم را به ازدواج با کنیزان تشویق می‌کردند. امامان معصوم(ع) نه تنها دیگران را به ازدواج با کنیزان تشویق و ترغیب می‌کردند بلکه خود نیز در ازدواج با آنها پیش قدم بودند. از جمله این کنیزان حمیده بربریه دختر صاعد بربری که اصلاً اندلسی و لقبش لؤلؤئه بوده است. حمیده از زنان پرهیزکار و ثقات بوده است. حمیده در خاندان عصمت چنان کسب علم کرد، که امام صادق(ع) او را وادار کردند به زنان مسلمان احکام دینی و معارف اسلامی را بیاموزد (رسولی محلاتی، ۱۳۷۶: ۴۱۲). یکی از ویژگی‌های اسلام از بین بردن امتیازات طبقاتی و برتری نژادی است، طوری که هر فردی بتواند با توجه به استعداد خود و بهره‌گیری از احکام و دستورات اسلام به رشد فکری و علمی برسد. بنابر آنچه که گفته شد، حمیده همسر امام صادق(ع) که از نژاد غیر عرب بود، درسایه استفاده از احکام و دستورات اسلام توانست به چنان مرحله برسد که از طرف امام عصر(ع) اجازه یابد که به زنان مسلمان احکام شرعی و معارف اسلامی را بیاموزد.

**حکیمه دختر امام هادی(ع) و عمه‌ی امام عصر(عج):** ایشان دختر امام هادی(ع) است که تربیت نرجس مادر امام زمان(ع) را عهده‌دار می‌شود و احکام و معارف دینی را به وی می‌آموزد. حکیمه از نمونه زنان رازدار و محرم سراهل بیت است. ایشان بعد از امام حسن عسکری(ع) از سفرا و واسطه‌های میان شیفتگان امام عصر(ع) و آن امام بود. بسیاری از سؤالاتی که شیعیان داشتند توسط این بانو پاسخش را دریافت می‌کردند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰/۱۲۲).

## ب: فعالیت اقتصادی زنان

اسلام به زن حق مالکیت، اجاره، تصرف، تجارت، کار و کوشش داده است به شرطی که اخلاقیش مصون از گزند و ناموشش مصون از غارت باشد. زن در سایه‌ی عنایت اسلام هم‌می‌این کارها را به میزان یک انسان رشید و عاقل و عابد و خدانشناس می‌تواند انجام دهد (محمد قطب، بی‌تا: ۵۸). چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «مردان را نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نصیبی»<sup>۱</sup>. به معنای تلاش مادی و کسب درآمد استعمال شده است که می‌توان برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی زنان به آن استناد کرد؛ زیرا اگر کار کردن برای آنان مجاز نبود، آیه شریف آنان را مالک دست‌رنج خود قرار نمی‌داد.

زنان در عصر تنزیل به فعالیت اقتصادی پرداخته و مورد تشویق پیامبر(ص) قرار می‌گرفتند، زنانی هم بودند که در عصر تأویل به کار و فعالیت اقتصادی مشغول بودند. امامان شیعه نه تنها آنان را از کار و تلاش نهی نمی‌کردند، بلکه در برخی موارد، لحن سخن یا طرز برخورد آنان با زنانی که فعالیت اقتصادی داشتند به گونه‌ای بود که در تشویق به ادامه‌ی کار نیز از آن استفاده می‌شود. در اینجا به مواردی اشاره می‌شود:

ام‌حسن نخیعه می‌گوید: حضرت علی (ع) در راه به من برخورد کرد و فرمود: ام‌حسن، به چه کاری مشغولی؟ گفتم: بافندگی می‌کنم. امام(ع) به من فرمودند: بدان که حلال‌ترین کسب است (کلینی، ۱۳۵۰: ۱۵۱/۵). بنابر این نقل، امام با دیدن ام‌حسن در ابتدا، از شغل او سؤال کرد که نشان از مشروعیت اشتغال برای زنان است و دیگر آنکه وقتی ام‌حسن در جواب امام عرض کرد: به بافندگی اشتغال دارم و از این راه ارتزاق می‌کنم، امام نه تنها او را از این حرفه منع نکرد، بلکه با این جمله که «حلال‌ترین کسب است»، او را بر ادامه‌ی اشتغال به این حرفه تشویق و ترغیب نمودند.

حنان بن سدیر گوید: در محله ما زنی بود که کنیزی نوحه‌خوان داشت. این زن از طریق نوحه‌خوانی کنیزش، زندگی خود را اداره می‌کرد. وی نزد پدرم آمد و گفت: تو می‌دانی که زندگی من از جانب خدا و به وسیله‌ی نوحه‌خوانی این جاریه تأمین می‌شود. دوست دارم از امام صادق (ع) بپرسی که اگر این کار حلال است ادامه بدهم و گرنه کنیز را بفروشم و از بهای آن زندگی کنم تا خدا فرجی برساند. پدرم گفت: پرسش این مسئله از امام برای من سخت است. او اضافه می‌کند: وقتی خدمت امام رسیدیم، خودم از امام درباره‌ی مسئله‌ی آن زن پرسش کردم. امام فرمود: آیا برای اجرت شرط می‌کند یا نه؟ گفتم: به خدا قسم، نمی‌دانم شرط می‌کند یا نه. حضرت فرمود: به آن زن بگو: شرط نکن و هر چه دادند قبول کن (همان: ۸۶/۵) در این روایت نیز نوحه‌خوانی مورد تأیید امام قرار گرفته است. اگر اشتغال زن به نوحه‌خوانی غیر مجاز بود، آن حضرت وی را از این کار نهی می‌فرمود.

### نتیجه‌گیری

بررسی تاریخ اسلام در عصر تأویل گویای آن است که اسلام و سیره علوی‌خواهان خانه نشین کردن زنان نیست و زنان را از کلیه حقوق فردی و اجتماعی برخوردار کرده است، اما مهمترین حقوق اجتماعی که زن در اسلام از آن برخوردار است، فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی (جهاد دفاعی) همدوش مردان است. هر چند حضور زنان در این عرصه‌ها به‌خاطر فعالیت در عرصه خانواده کمتر از مردان است، ولی زنان مسلمان در عصر تأویل با گرم نگهداشتن این عرصه یعنی خانواده، متأثر از آموزه‌های اسلام که او را تشویق و ترغیب به ورود سالم به اجتماع می‌کرد، با حفظ پوشش و حجاب که شرط ورود آنان به جامعه بوده است وارد این عرصه‌ها شد. در عرصه سیاسی زنان حضور خود را با بیعت با ائمه (ع) (آنان با بیعت خود نشان دادند که به‌عنوان یکی از خشت بناهای جامعه نقش مهمی در ساختن جامعه ایده‌آل دارند)، سعی و تلاش عده‌ای دیگر از زنان در حمایت از ولایت ائمه (ع)، خشتی کردن توطئه‌ها، روشن کردن اذهان و انتقاد از قدرت پوشالی زمانه نشان دادند. عده‌ای دیگر از زنان از این

حقوق اجتماعی خود و مجوز اسلام برای ورود به اجتماع در جهت حفظ منافع خود و خاندانشان استفاده کرده و به مخالفت و توطئه علیه امامان(ع) پرداخته و بعضی حتی در شهادت ایشان دست داشته‌اند.

در اسلام وجوب جهاد ابتدای از زنان، پیران، کودکان و دیوانگان برداشته شده است (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۲۱۰/۹)، اما از آنجا که دفاع از عقیده، عملی منطقی و مطابق با عقل و فطرت بشری است و در نگاه اسلام جهاد به معنای شمشیر کشیدن صرف نیست، زنان در عصر تأویل نیز این جبهه را خالی نگذاشته و به طرق گوناگون، چون تشویق کسانی که توانایی برای جنگیدن دارند، انتقاد از قدرت ظالم، گفتن جملات حماسی و تحریک و تشویق روح دیگران، انجام دادن عملیات سری و ... دین خود را به اسلام و ائمه(ع) ادا کردند، بعضی حتی در این راه به شهادت می‌رسیدند.

اسلام در بُعد علمی و اقتصادی تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده و استعداد زن و مرد را برای حضور و مشارکت در اجتماع برابر دانسته است؛ بنابراین زنان در عصر تأویل با گرفتن جواز حضور و فعالیت از قرآن - که زنان و مردان را صاحب دسترنج خود می‌داند و مقام زنان و مردانی را که عالم‌اند بلند گردانیده - وارد عرصه‌های اقتصادی و علمی تبلیغی شدند. این حضور و فعالیت را امامان(ع) با فعل خود (حمیده همسر امام صادق(ع) بودند که امام(ع) او را وادار کردند به زنان مسلمان احکام دینی و معارف اسلامی را بیاموزند) یا تقریر خود (گفتن آداب و احکام خرید و فروش به زنانی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دادند) فعالیت‌های علمی و اقتصادی زنان را مورد تأیید و تشویق قرار می‌دادند.

## منابع و مأخذ

- قرآن.

- نهج البلاغه (بی‌تا). ترجمه فیض السلام.

- آئینه وند، صادق (۱۳۶۲). تاریخ زنان صدر اسلام. تهران: جهاد دانشگاهی الزهراء.

- ابن ابی الحدید (بی تا). *شرح نهج البلاغه*. جلد ۱۶. بی جا: دارالخیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکریم (بی تا). *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*. تحقیق محمد ابراهیم البنا و دیگران. جلد ۵. بیروت: دارالکتب.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن کاتب واقدی (۱۳۶۵). *طبقات*. ترجمه محمود مهدی دامغانی. جلد ۱. تهران: نشر نو.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن کاتب واقدی (۱۳۲۱ق). *الطبقات الکبری*. بتصحیح و طبعه بروکلیمن. جلد ۸ و ۲. تهران: مؤسسه النصر.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۱۸ق). *الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*. تحقیق: عبدالقادر محمد. بیروت: دار القلم العربی.
- ابن عبدالربّه اندلسی، احمد ابن محمد (۱۴۰۴ق). *عقد الفرید*. تحقیق مفید محمد. جلد ۴. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طیفور، ابی الفضل احمد بن ابی طاهر (۱۹۰۸). *بلاغات النساء*. مصر: بی نا.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸). *البدایه و النهایه*. جلد ۷ و ۸. بیروت: دارالفکر.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۹۹۶). *السیره النبویه*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. جلد ۱. بیروت: دارالکتاب عربی.
- اعلمی حائری، محمد حسین (بی تا). *تراجم اعلام النساء*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الموسوی المقوم، عبدالرزاق (۱۴۱۱ق). *مقتل الحسین*. بی جا: دارالتقافه.
- امین، محسن (۱۴۰۶ق). *اعیان الشیعیه*. محقق حسن امین. جلد ۶-۷-۳. بیروت: دارالتعارف.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶). *انساب الاشراف*. جلد ۲. بیروت: دارالفکر.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۴۴). *زینب بانوی قهرمان کربلا*. ترجمه حبیب چایچیان و مهدی آیت الله زاده نائینی. تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا)*. بی جا: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵). *معارف و معاریف*. جلد ۸. تهران: مؤسسه فرهنگی آریه.
- حموی، یاقوت بن عبد الله (بی تا). *معجم البلدان*. جلد ۵. بیروت: دار الصادر.
- دخیل، علی محمد علی (۱۳۶۲). *آتم سلمه*. ترجمه فیروز حریرچی. تهران: سپهر.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۵۴). *زندگانی صدیقہ کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها*. بی جا: علمیه اسلامیہ.
- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۷۶). *نگاهی به زندگانی حضرت زینب (س)*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۴). *فروغ ولایت (تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام))*. بی‌جا: مؤسسه امام صادق (ع) (توحید).
- شوشتری، نورالدین بن شریف الدین (بی‌تا). *احقاق الحق و ازهاق الباطل*. جلد ۵. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۸). *الارشاد*. ترجمه حسن موسوی مجاب. جلد ۲. قم: سرور.
- شهیدی، جعفر (۱۳۶۳). *زندگانی فاطمه زهراء (ع)*. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۲-۳-۱۰. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۵). *تاریخ الرسل والملوک*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد ۲-۴-۵. تهران: اساطیر.
- عسکری، علامه سید مرتضی (۱۳۷۱). *نقش عایشه در تاریخ اسلام*. ترجمه عطاء محمد سردارنیا، محمد صادق نجمی، هاشم هرسی و محمد علی جاودان. بی‌جا: مجمع علمی اسلامی.
- علایی رحمانی، فاطمه (۱۳۶۹). *زن از دیدگاه نهج البلاغه*. بی‌جا: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.
- عمادزاده، حسین (بی‌تا). *زنان پیغمبر اسلام*. تهران: ارژنگ.
- فهیم، مرتضی (بی‌تا). *چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ*. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قطب، محمد (بی‌تا). *جامعه‌شناسی تاریخی زن*. ترجمه محمد علی عابدی. تهران: البرز.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). *منتهی الامال فی تواریخ و الآل (ذکر تاریخ چهارده معصوم(ع))*. جلد ۱. قم: دلیل ما.
- کحاله، عمررضا (۱۹۸۲). *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام*. جلد ۱-۲-۴. بیروت: مؤسسه الرساله.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰). *اصول کافی*. جلد ۵. تهران: اسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). *اصول کافی*. ترجمه و شارح رسول هاشمی. جلد ۲. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، ملامحمدباقر (۱۳۶۴). *بحارالانوار*. ترجمه محمد جواد نجفی. جلد ۲-۸-۹-۱۰-۱۸-۲۲-۲۹-۴۸-۶۷-۷۸-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱

— مسعودی، ابوالحسن (۱۳۶۵). *التنبیه و الاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.  
— (بی تا). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. محقق یوسف اسعد داغر. جلد ۲. قم: مؤسسه دارالهجره.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی